اسناد و مدارک: نامه ای درباره قرارداد 1907

وطن دوست، غلامرضا

سند تاریخی زیر که در واقع نامه‏ای بیش نیست در تاریخ سوم دسامبر 1903 میلادی برابر با 9 آذر 1382 شمسی از لرد هنری چارلز لنزدان (Lord Henry Charles Lansdowne) وزیر امور خارجهء بریتانیا خطاب به سیسیل اسپرینگ رایس‏ (Cicil Spring-Rice) دبیر وقت سفارت انگلیس در تهران نوشته شده است.این‏ نامه که با عنوان«خیلی محرمانه»طبقه‏بندی شده از اسناد وزارت خارجهء انگلیس در خصوص ایران است (F.O.416/15)

پس از اوج‏گیری رقابتهای روس و انگلیس در ایران در اواخر قرن نوزدهم، این نخستین گامی است که دو ابرقدرت در جهت دسترسی به یک توافق سیاسی و ایجاد روابط دوستانه برداشتند.

پیش از آن رقابت روس و انگلیس در کلیهء نقاط کشور بویژه در سیستان و خلیج فارس شدت یافته بود.تا حدی که کوشش‏های دو کشور جز خنثی نمودن منافع‏ یکدیگر،نتیجه‏ای برای دو ابرقدرت باقی نمی‏گذاشت.این مکاتبات نهایتا به توافق‏ کامل منتهی گشت و قرداد روس و انگلیس در سال 1907 م/1286 شمسی از آن‏ حاصل آمد.

نامهء مارکیز لنزدان به آقای اسپیرینگ رایس

(شمارهء 346-خیلی محرمانه)

وزارت خارجه،سوم دسامبر 1903 م.

عالیجناب،

امروز سفیر روس درباره بحث دربارهء نامهء شمارهء 334 بیست و ششم ماه گذشته‏ را آغاز کرد.او به من اطلاع داد که مطالب مهم نامهء شمارهء 305 مورخ پنجم نوامبر من به شما را برای دولت روسیه فرستاده است و مضمون نامه را چنان مطرح کرد که‏ گویی بخشی از گفتگوی ایشان با من را تشکیل می‏داد.سپس پیشنهاد کرد که نسخه‏ای‏ را که به او داده بودم به من بازگرداند ولی از آنجا که فکر می‏کردم برای مراجعه،به‏ آن نیاز داشته باشد از او خواهش کردم آن را نزد خود نگهدارد،و بنابراین آن را در جیب خود گذاشت.

سپس مطالبی دربارهء موضوع ایران بویژه در مورد سیستان گفت که دوباره تکرار کردم سیستان یقینا در قلمرو نفوذ بریتانیا قرار خواهد گرفت.در پاسخ به سؤال‏ ایشان گفتم به گمان من مشکلی در تعیین حدود استان سیستان وجود نخواهد داشت.

سپس به این سخن من که بریتانیای کبیر علاقهء خاصی به جنوب ایران مبذول‏ می‏دارد اشاره کرد و پرسید که وضع استانهای ایران که هم‏جوار متصرفات روس در شمال ایران یا از سوی دیگر،در سواحل جنوبی آن کشور قرار دارند چه خواهد شد.

گفتم که به نظر من این نکات باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.ولی هدف‏ ما این است که آن مناطق را به روی تجارت و فعالیتهای اقتصادی بریتانیا باز نگه‏ داریم.

ایشان از من پرسید به فرض اینکه حاکمیت ما(بریتانیا)در خلیج به رسمیت‏ شناخته شود آیا حاضریم متعهد شویم که استحکاماتی در آب‏های آن بنا نکنیم.گفتم که‏ نمی‏توانم در مورد چنین مسئلهء مهمی شخصا تعهدی بسپارم.ولی تصور من این است‏ که اگر به روشنی توافق شود.که هیچ کشوری حق بنای استحکامات نداشته باشد،ما نیز متقاعد خواهیم بود که از بنای آن خودداری کنیم.

ایشان در مورد سفر لرد کرزن‏1از من سؤال کرد که به او گفتم صرفا جنبهء بازرسی دارد و نباید به منظور تهیهء طرحی برای الحاق سواحل خلیج(به بریتانیا) قلمداد شود.ما با عده‏ای از سران و حاکمان رابطه داریم و در بعضی از بندهای‏ خلیج مأموران بریتانیا حضور دارند و دیدار نایب السلطنه از آن بندرها امری کاملا طبیعی بوده است.

به ایشان گفتم که پیشنهادات من جنبهء غیر رسمی دارد ولی اگر مایل باشند حاضرم این موضوع را با همکارانم در میان گذارم و نظریهء قطعی و رسمی را در اختیارشان قرار دهم تا احیانا در جریان بازگشت ایشان به سن‏پطرزبورگ،در ژانویه، برایشان سودمند واقع گردد.ایشان ابراز تمایل نمودند که این نظریات در اختیاراشان‏ گذاشته شود.

با احترام

لنزدان

(1)-لرد جرج کرزن،نایب السلطنهء دولت بریتانیا در هندوستان که هدفش در این زمان‏ کوتاه کردن دست روسها در سیستان بود.